



دیدار هیئت رئیسه جبهه اصلاحات با ناطق نوری

روز گذشته جلسه‌ای با حضور آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات ایران و تعدادی از اعضای هیئت رئیسه این جبهه با علی اکبر ناطق نوری برگزار شد. در این نشست که به منظور هم‌اندیشی صورت گرفت، گزارشی از اقدامات جبهه اصلاحات ایران در انتخابات اخیر ریاست جمهوری ارائه شد و برنامه‌ها و راهبردهای پیش روی جبهه در تحقق وفای ملی و همراهی با دولت پزشکیان و نیز پیگیری مطالبات جامعه و رفع ناآرامی‌ها مطرح شد. ناطق نوری از حضور مؤثر جبهه اصلاحات در انتخابات اخیر و پیروزی دکتر پزشکیان تقدیر کرد و اظهار امیدواری کرد که مجموعه تلاش‌ها برای تحقق وفای ملی، در جهت تأمین خواست ملت بزرگ ایران به نتیجه برسد.



عبور دولت از کنار دام مسائل فرعی

محمدجواد جمالی نوبندگانی، نماینده ادوار مجلس در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «آقای پزشکیان مجبور شد از تیم‌هایی برای اعطای مسئولیت استفاده کند که جای خودش باید بحث شود. این امر هم‌نکات مثبت فراوان و هم نکات منفی داشت که الان می‌بینیم خیلی‌ها که در ابتدا بیان می‌کردند ما هیچ توقعی از دولت چهاردهم نداریم، اکنون به شکل مستقیم و غیرمستقیم در خواست سهم از آقای پزشکیان می‌کنند که این اصلاً با شایسته‌سالاری تناسبی ندارد. آقای پزشکیان با توجه به قول‌هایی که به مردم داده نباید زیر بار این قبیل در خواست‌ها برود.»



حمایت نسرین ستوده از فائزه هاشمی

نسرین ستوده در نامه‌ای ضمن حمایت از فائزه هاشمی به اختلافات در بند زنان واکنش نشان داد. در بخشی از نامه وی آمده است: «در خرداد ۱۳۹۰ [...] این بند تشکیل شد. چقدر ما یکدیگر را در رفتار توأم با آرامش و مدارا دعوت می‌کردیم... در جمع ۳۰ نفره آن روزها مدام تکرار می‌کردیم که ما تمرین دموکراسی می‌کنیم. چیزی که همه شهروندان ایرانی به آن نیاز دارند. اما برخی از افرادی هم که امروزه فضای بند زنان را به استانه‌ی عدم تحمل رسانده‌اند، متعلق به برخی از جریان‌ها... بوده‌اند و فقط فائزه هاشمی هدف این حملات نبوده است. به یاد دارم شب عید ۱۳۹۸ بود. حکم سنگین علیه یکی از اعضای بند زنان صادر شده بود و طبیعتاً در بیرون از زندان با واکنش‌های خیریه همراه شده بود. یکی از دوستان چپ وسط بند فریادهای گوشخراش می‌کشید که او دروغ می‌گوید و با دروغ‌هایش سیاست را به کثافت کشانده است. طبق یک تقسیم‌کاری هم، دوست دیگری که اتفاقاً چپ نبود، به خارج از زندان اعلام کرده بود که آن عضو بند که به حبس سنگین محکوم شده بود، دروغ می‌گوید. او به مصاحبه‌ی قاضی استناد کرده بود که مدعی بود در آن پرونده حکم سبک‌تری صادر کرده است. این‌ها شرایط را برای یک زندانی در داخل، و خانواده‌اش در خارج از زندان به جهنمی بدتر از حکم سنگین تبدیل می‌کند. این‌ها برای محافظت از حقیقت می‌گویم.»

ادامه نامه آمده است: «فائزه هاشمی! حالا از فضای بند زنان زندان اوین انتقاد کرده است. ممکن است برخی فرصت طلبان از نقد او سوءاستفاده کنند. اما این نامه می‌تواند نقد خودمان از خودمان باشد و کارکرد آزادی بیان همین است. دوستان، اگر اختلافات‌مان را حل کنیم، با قدرت بیشتری به مبارزه علیه اعدام ادامه می‌دهیم، وگرنه ساکت کردن صدای مخالفان، میراثی است که از استبداد آسیایی به ما رسیده است و بیش از هر چیز قدرت ادامه حیات دارد.»



عکس: خماران

در حال تبدیل شدن به یک گروه بسته با رویش‌های اندک و ریزش‌های فراوان است. یکی آنکه مواضع آنها (در کنار محدودیت‌های رسمی) باعث شده تا نسل بعدی و جوان‌تر جایگزین نشوند و از طرف دیگر، حلقه روابط خودش‌مان هم بسته و محدود به شبکه روابط دوستی و خانوادگی شده است.» اما در همین بند، پیشنهاد دومش را هم مطرح می‌کند و می‌نویسد: «به‌نظرم در حال حاضر جبهه‌بندی سنتی اصلاح‌طلب-اصولگر سالب به انتفای موضوع شده است. آنها بیش از آنکه رسم باشند، تبدیل به اسم شده‌اند. باید با نیروهای جدید از اصولگرایان درون ساختار قدرت و فراتر از آنان با نیروهایی که در عرصه جامعه و فراتر از هر دو جناح سنتی هستند، همفکری و همراهی و برای خروج کشور از این وضعیت اقدام و کمک کرد.»

و در پایان هم نقد چهارم خود را مطرح می‌کند و می‌نویسد: «مشکل چهارم که برآمده از مشکلات قبلی است، میرایی این جبهه با ادامه وضع موجود است. فقدان قدرت تطبیق‌پذیری، در کنار نگاه به گذشته و نداشتن تحلیل جامعه‌شناختی و غلبه پیوندهای دوستی و انتسابی به جای پیوندهای سیاسی و حرفه‌ای موجب شده که از یک سو به دلیل روبرود با بی‌ثباتی چشم بر خطاهای یکدیگر ببندند و از سوی دیگر قادر به نوسازی و گسترش خود و نیز جذب و دفع کارآمد نیرو و فکر نیستند. نگرانی اصلی این است که نتوانند در دوران وفای اثرگذاری مثبتی ایجاد کنند و این فرصت تاریخی را تثبیت و تعمیق بخشند. به‌نظرم وظیفه همه‌ماست که پس از این صریح‌تر به نقد رفتارها و گفتارهای نادرست منسوب به این جبهه بپردازیم.»

عبدی و انتقادات

پس از اینکه نامه عبدی خطاب به سیدمحمد خاتمی، رهبر جریان اصلاحات منتشر شد، برخی اعضای جبهه اصلاحات پاسخ دادند و او را آغاز کردند. برای مثال حسن رسولی، یکی از اعضای جبهه اصلاحات در مصاحبه‌ای در واکنش به این نامه در ابتدا می‌گوید: «بهتر بود عبدی این نامه را به هیئت‌رئیس جبهه اصلاحات می‌نوشت.» و در ادامه تأکید می‌کند: «من به هیئت‌رئیس هم پیشنهاد کردم که ایشان تشریف بیاورند در جلسات رسمی مجمع عمومی اصلاحات و این باب گفت‌وگو باز شود. نه فقط آقای مهندس عبدی که از اصلاح‌طلبان صاحب‌نظر و شناخته‌شده هستند و دلسوزی ایشان و اثر بخشی‌شان برای هیچ‌کسی در جریان اصلاحات پوشیده نیست، بلکه این رویکرد نسبت به سایرین هم باید باشد. اساساً یک جریان اصلاحی پویا اگر مورد نقد و ارزیابی قرار نگیرد، نمی‌تواند پویایی و پایداری خودش را حفظ کند. در مقطع انتخابات سال ۱۴۰۲ هم که چند ده نفر از دوستان اصلاح‌طلب ایده‌ای را تحت عنوان «روزنه‌گشایی» مطرح کردند، در آن مقطع هم به‌عنوان یک عضو حقیقی جبهه اصلاحات پیشنهاد این بود که کاملاً با ارائه‌کنندگان این ایده به‌عنوان بخشی از ظرفیت‌های متنوع جریان اصلاحات تعامل مشفقانه و مثبت داشته باشیم و با دعوت از این عزیزان در گذشته و امروز از

تغییر در اصلاحات؟

بررسی نامه عباس عبدی به سیدمحمد خاتمی و پیشنهاد لزوم بازنگری در رویکردهای جبهه اصلاحات

عباس عبدی، پس از اینکه پیشنهادش را مطرح می‌کند، مقدمه‌های برای نقدهای مطرح‌شده می‌نویسد و می‌آورد: «بند مقدمه‌اناست به روند کلی جریان اصلاحات می‌نویسم که در کانون آن جبهه اصلاحات قرار دارد. جبهه اصلاحات گرچه به لحاظ تشکیلاتی متناسب به جناب‌عالی نیست ولی در تصور عمومی و در واقعیت امر، منسوب به شما هستند.» و در ادامه وارد فضای نقد شده و اولین نقد خود را مطرح می‌کند: «اولین نقدی که بنده به جریان رسمی اصلاح‌طلبی دارم، ادبیات سیاسی غالب نزد آنان است و این را بارها در مطالب خود به صورت مستقیم و غیرمستقیم ذکر کرده‌ام. برای من روشن است که میان ادبیات سیاسی شما یا بخشی از نیروهای سیاسی اصلاحات تینان اشکال وجود دارد، ولی در نهایت صدای کسانی به‌عنوان صدای اصلی اصلاح‌طلبی - که در بعضی از اعضای جبهه اصلاحات نمود بارز یافته- شناخته می‌شود که زبانی رادیکال و مبارزه‌جویانه دارند؛ زبانی که بنا به تحلیل من تناسبی با مشی و راهبرد اصلاح‌طلبانه ندارد. در اینجا قصد تخطئه یا رد مشی مبارزه را ندارم، ولی ادبیات آن چه درست و چه نادرست باشد، متناسب با اصلاح‌طلبی نیست. این رویکرد بیش از اینکه در پی اصلاح باشد، دنبال شکست دادن طرف مقابل و جایگزین شدن آن است، در دوگانه خیر و شر گرفتار است و در نتیجه، قادر به ایجاد هم‌دلی و فهم مشترک نیست.»

او در دومین نقدی که مطرح می‌کند، جبهه اصلاحات را هدف خود قرار می‌دهد و می‌نویسد: «مشکل دوم آنان که تا حدی هم متأثر از مشکل اول است، فقدان رویکرد تحلیلی مؤثر و راهگشاست. فقط در همین حد اشاره کنم که چارچوب تحلیلی این افراد بیش از آنکه معطوف به آینده باشد، اسیر چارچوب‌های گذشته است. تحلیل‌هایی که معطوف به شخصیت و روانشناسی افراد است (اغلب هم نادرست است) و به ساختارها و عوامل اجتماعی توجیهی ندارد؛ تحلیل‌هایی که در خدمت سیاست مبارزه است و نه در خدمت فهم واقعیت. شجاعت تصمیم‌گیری را در زندان رفتن و روی یک موضع ایستادن و مبارزه می‌داند، نه انعطاف‌پذیری و پیشبرد امور و خیر عمومی.»

در بخشی از سومین قسمت از نقدی که خطاب به خاتمی نوشته شده، عباس عبدی آورده است: «مشکل سوم این است که این جریان



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

فراز و فرودهای عرصه سیاست در ایران، پاشنه در راه سستی چرخنده است که یکبار دیگر سکان مدیریت دولت در جمهوری اسلامی ایران در اختیار فردی قرار بگیرد که مورد حمایت اصلاح‌طلبان بوده است. پس از انتخابات و در فضایی که کابینه دولت چهاردهم براساس شعار وفای ملی به‌صورت کامل تشکیل شده و وزرا در حال معرفی معاونین خود هستند، عباس عبدی از دید آسیب‌شناسانه نامه‌ای را در پنجم شهریور خطاب به سیدمحمد خاتمی نوشت و در آن دو پیشنهاد بزرگ و چهار نقد را مطرح کرد که پس از انتشار این نامه، واکنش‌هایی را هم در پی داشت؛ واکنش‌هایی که منجر به این شد تا چند روز بعد پاسخی مفصل را به نقدهای مطرح‌شده درباره نامه‌اش نوشته و از دیدگاهی که دارد، دفاع کند.

**عباس عبدی:
ما وارد وضعیت تازه‌ای شده‌ایم
و روش‌ها و رویکردهای گذشته پاسخگوی شرایط جدید نیست و ضرورت تغییر آن کاملاً مشهود است**



عبدی و نامه به خاتمی

عباس عبدی در این نامه که با تیتراژ «سخنی با جناب آقای خاتمی» منتشر شده بود، در ابتدای امر علت انتشار عمومی این نامه در روزنامه‌ای رسمی را اینگونه بیان می‌کند: «... تصمیم گرفتم آن را عمومی منتشر کنم، چراکه موضوع آن امری عمومی است و امید دارم که گفت‌وگوی عمومی در این باب بتواند بهتر راهگشا باشد.» و در ادامه آن ابتدا پیشنهاد اول خود را مطرح می‌کند و می‌گوید: «این متن را فصحی بابی برای گفت‌وگو می‌دانم و امیدوارم که مباحث مشابهی با دیگر نیروها و گرایش‌های سیاسی مطرح شود و ثمره آن را کشور ببرد. این گفت‌وگو را در شرایط کنونی لازم می‌دانم، زیرا تحلیل من این است که ما وارد وضعیت تازه‌ای شده‌ایم و روش‌ها و رویکردهای گذشته پاسخگوی شرایط جدید نیست و ضرورت تغییر آن کاملاً مشهود است.»



صادق نوروزی دبیرکل حزب توسعه ملی:

مسیر جبهه اصلاحات نتیجه‌بخش بوده و نیاز به تغییر ندارد

دبیرکل حزب توسعه ملی ایران در گفت‌وگویی که با خبرنگار هم‌میهن داشت، معتقد است سیاست در نظر گرفته‌شده از سمت جبهه اصلاحات موفقیت‌آمیز بوده و از دل همین مسیر، مسعود پزشکیان به ریاست جمهوری رسیده است. او می‌گوید به علت اینکه مسیر با موفقیت همراه بوده است، نیاز به تغییر وجود ندارد و باید همان نگاه قبل در برابر مسائل کشور وجود داشته باشد.

«چندی پیش عباس عبدی نامه‌ای خطاب به سیدمحمد خاتمی نوشت و در بخشی از این نامه گفته بود: «تحلیل من این است که ما وارد وضعیت تازه‌ای شده‌ایم و روش‌ها و رویکردهای گذشته پاسخگوی شرایط جدید نیست و ضرورت تغییر آن کاملاً مشهود است.»؛ به عنوان اولین سوال، تحلیل‌تان درباره این تغییری که از سوی عبدی مطرح شده، چیست؟ آقای عبدی در نامه‌ای که برای آقای خاتمی نوشته نظرات خودش را گفته است اما به‌نظرم حرف و پیشنهادی که ایشان در این نامه مطرح کرده، خیلی وارد نیست. جبهه اصلاحات در گذشته کاری را نکرده و مسیری را نرفته است که نیاز به تجدیدنظر در آن مسیر باشد و بگویم نیاز به تغییرات اساسی در آن احساس می‌شود. کاری را هم که در این سال‌های اخیر انجام داده، از آن نتیجه گرفته و

باشند و تصمیم جمعی بگیرند. از طرف دیگر با نیروهای سیاسی دیگر هم همین بر خورد و رفتار تعاملی صورت خواهد گرفت. یعنی سعی خواهد شد با جریان‌های سیاسی دیگر گفت‌وگوی تعاملی داشته باشند و همچنین به حاکمیت هم از موضع دلسوزانه و مصلحت‌اندیشانه حرف بزنند.

«این بحث هم بعضی اوقات شنیده می‌شود که بهتر است اصلاح‌طلبان به سمت ائتلاف با راست معتدل گرایش پیدا کنند. نظراتان درباره این موضوع چیست؟

به نظر می‌رسد راست میانه هم به مرور و طی سال‌های اخیر با همان مشکلاتی که اصلاح‌طلبان با آن دست به‌گریبان شده‌اند، روبه‌رو شده است و بر همین اساس نظرشان به نظر اصلاح‌طلبان درباره مشکلات کشور نزدیک شده است. به علت همین واقف‌شدن‌شان به مشکلات کشور، از راست تندرو فاصله گرفته‌اند و نسبت به مسائل و مشکلات که در کشور جریان دارد، واقع‌بین‌تر شده‌اند و برای حل این مشکلات و معضلات، راه‌حل‌هایی هم که ارائه می‌کنند به اصلاح‌طلبان نزدیک است و تقریباً حرف‌هایی که می‌زنند و چیزهایی که برای اجرا مصلحت می‌دانند، دارای فصل مشترکی با اصلاح‌طلبان است.

«با توجه به فضای سیاسی موجود کشور و اتفاقاتی که طی این چند ماه اخیر رخ داده و دولت در اختیار مسعود پزشکیان قرار گرفته است، اصلاح‌طلبان باید در چه مسیری قرار بگیرند و در ادامه راه چه سیاستی را مدنظر قرار دهند؟

ابتدا باید بگویم که آقای پزشکیان این شعارهایی که در مناظره‌ها و سخنرانی‌های زمان انتخابات

